

کتاب دانیال — یکصد و هشتاد و سوم

بنیاد ابدی: تاریخ نبوت میں مسیح اور ایماندار کا ایمان

Jeff Pippenger

2024-04-13

«حقیقتی که پطرس بدان اقرار کرده بود، بنیاد ایمان ایماندار است. این همان چیزی است که خود مسیح آن را حیات جاودانی اعلام کرده است.» آن «حقیقت» دو جنبه از مسیح را معرفی می‌کرد. نخست آن که مسیح عنصری از تاریخ نبوی است. نشانه‌های راه که رویدادهای تاریخ نبوی را نمایندگی می‌کنند، مسیح را نمایندگی می‌نمایند. پیوند او با این رویدادها، قداست نشانه‌های راه نبوی را مشخص می‌سازد و مبنای منطقی آن را فراهم می‌آورد که چرا خواهر وایت این چنین مکرر می‌گفت که باید از نشانه‌های راه پاسداری کنیم؛ زیرا آن نشانه‌های راه، عیسی مسیح را نمایندگی می‌کنند. نشانه‌های راهی که مضمون آزمون را در زمان مسیح نمایندگی می‌کرد، تعمید او بود، و آن با دیگر رویدادها در خطوط اصلاح مقدس، که با نزول یک نماد الهی ممتاز می‌گردند، همسو بود.

در خط اصلاحی موسی، الوهیت فرود آمد و در بوته‌ای سوزان ساکن شد؛ نمادی از پیوستن آفریننده با آفرینش. در خط اصلاحی پایان هفتاد سال، میکائیل فرود آمد تا کورش را برای پیش رفتن با فرمان نخست توان بخشد، و در همان زمان دانیال به صورت مسیح دگرگون شد. در خط اصلاحی مسیح، روح القدس در هیئت کبوتری فرود آمد تا پسر خدا را مسح کند؛ نماد پیوند الوهیت با انسانیت. در تاریخ میلری، آن فرشته‌ای که در 11 اوت 1840 فرود آمد، «شخصیتی کمتر از عیسی مسیح نبود»؛ او با کتابچه‌ای کوچک فرود آمد که می‌بایست خورده شود، و او همان کتابچه کوچک بود. در آنجا او نشان داد که پیوند الوهیت با انسانیت به واسطه خوردن و نوشیدن جسم و خون نان آسمان تحقق می‌یابد.

تاریخ مقدس، مقدس است زیرا با حضور مسیح تجسد یافته است. پیشگویی‌های کلام خدا که رویدادهای آینده را معین می‌سازند، خود عیسی مسیح‌اند، زیرا او «کلمه» است. هنگامی که آن پیشگویی‌ها در تاریخ تحقق می‌یابند، آن رویدادها نمایانگر تحقق کلام او هستند، و کلام او حق است. این کلام اوست که پیشگویی را بیان می‌دارد، و این کلام اوست که آنگاه که رویداد فرا می‌رسد تحقق می‌یابد؛ پس در آغاز و در انجام، عیسی مسیح است، زیرا او آلفا و امگا است. از این رو، هنگامی که پطرس اعلام کرد که عیسی، مسیح و پسر خدای زنده است، او نشانه‌ای راهنما را که عیسی مسیح بود و نشانه‌ای راهنما را که در ایام آخر به کمال تحقق خود می‌رسد، مشخص می‌ساخت. یازدهم سپتامبر 2001 کمال تحقق مسیح بود.

دَرَبَّ ژوندی خدای د زوی، مسیح، د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر د امپ نېټې نبوي پوره کېدل ردول، د مسیح ردول دي. هماغه حقیقت چې پطرس څرگند کړی و، «د مؤمن د ایمان بنسټ» و، او د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر په اومه مسیح خپل د آخرالزمان خلک بېرته د ارمیا «زرو لارو» ته راوبلل، چې د لومړي او درېیمو فرېش‌تو د پیغامونو د غورځنګ «بنسټ‌ونه» تمثیلوي. پطرس د یو لک او څلوېښتو زرو استازولي کوله، چې په هغه موده کې مهرېږي کله چې څلور فرېش‌تې څلور بادونه ایساروي. د مهر لگېدو وخت یو ځانګړی نبوي موده ده، چې د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر په اومه پیلېږي او د ژر راتلونکې یکشنبې قانون سره پای ته رسېږي. عیسی تل د یوه شي پای د هماغه شي له پیل سره تمثیلوي.

در آغاز زمان مَهرگذاری، فرشته مکاشفه هجده فرود آمد، همان‌گونه که روح القدس در هنگام تعمید فرود آمده بود، و آن فرشته «کسی جز خود عیسی مسیح نبود»؛ زیرا فرشته‌ای که در تاریخ میلری با جلال خویش فرود آمد تا زمین را منور سازد، «کسی جز خود عیسی مسیح نبود». در قانون یکشنبه

نزدیک الوقوع، «کسی جز خود عیسی مسیح نبود» که بار دیگر فرود می‌آید و دومین آن دو پیام مکاشفه هجده را عرضه می‌دارد، آنگاه که گله دیگر خویش را از بابل فرا می‌خواند. در میانه دوره زمان مهرگذاری، فرشته‌ای فرود آمد، همان‌گونه که فرشته دوم در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، در نخستین ناامیدی جنبش میلری، فرود آمده بود.

میان آمدن آن فرشته دوم و آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشتگان بسیاری فرستاده شدند تا هنگامی که پیام فریاد نیمه‌شب فرا رسید، به فرشته دوم قوت ببخشند. خواهر وایت، در سخن گفتن از تاریخ زمانی که این فرشتگان در تاریخ میلری ظهور کردند، به ما آگاه می‌سازد که آنان که این پیام‌ها را رد کردند، مسیح را به همان اندازه یقیناً مصلوب کرده بودند که یهودیان مسیح را مصلوب کردند.

«دیدم همان‌گونه که یهودیان عیسی را مصلوب کردند، کلیساهای اسمی نیز این پیام‌ها را مصلوب کرده‌اند؛ و از این رو، آنان هیچ شناختی از راه ورود به قدس‌الاقداص ندارند، و نمی‌توانند از شفاعت عیسی در آنجا بهره‌مند شوند.» Early Writings, 261.

پیام‌هایی که به وسیله فرشتگان نمایانده شده‌اند، هنگامی که رد می‌شوند، مصلوب شدن مسیح را نمایندگی می‌کنند، زیرا او تجسم آن پیام‌ها و تحقق تاریخی آنهاست. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، «شخصی نه کمتر از خود عیسی مسیح» نزول کرد و بدین‌سان نخستین یاس و آغاز زمان درنگ را رقم زد. در کوچه‌ها کشته شده، استخوان‌های خشک مرده قوم ایام آخر او می‌بایست با شنیدن تنها آوازی که می‌تواند مردم را دوباره به حیات بازگرداند، بیدار شوند.

به‌راستی، به‌راستی به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید، بلکه اکنون است، که مردگان آواز پسر خدا را خواهند شنید، و آنان که بشنوند زنده خواهند شد. زیرا همچنان‌که پدر حیات را در خود دارد، همچنین به پسر نیز عطا کرده است که حیات را در خود داشته باشد؛ و نیز به او اقتدار بخشیده است که داوری نیز بنماید، زیرا او پسر انسان است. از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن، همه آنان که در قبرها هستند آواز او را خواهند شنید، و بیرون خواهند آمد؛ آنان که نیکویی کرده‌اند، برای قیامت حیات؛ و آنان که بدی کرده‌اند، برای قیامت محکومیت. یوحنا ۵: ۲۵-۲۹.

در ژوئیه ۲۰۲۳، صدای او استخوان‌های خشک مرده را به حیات فراخواند، و آلفا و امگا آنگاه آغاز زمان مهر شدن را تکرار کرد، زیرا ژوئیه ۲۰۲۳ نشانگر دوره پایانی زمان مهر شدن است. سپس قوم او بار دیگر به راه‌های کهن ارمیا، به بنیان‌های تاریخ میلریتی، فراخوانده شدند. پیام بنیادی آغاز و پایان میلریتیان، نخستین و آخرین پیام‌های تاریخ میلریتی بود، که همان «هفت زمان» لاویان، باب بیست‌وشش، بود.

در ژوئیه ۲۰۲۳، قوم ایام آخر خدا بار دیگر مأمور شدند که کتاب کوچک را بردارند و بخورند. چون کتاب کوچک را می‌خورند، آنگاه آزموده می‌شوند تا معلوم شود آیا پیام وای سوم در مکاشفه فصل نهم (اخبار مشرق) و پیام دانیال فصل یازدهم (اخبار شمال) را تصدیق خواهند کرد یا نه. این فرایند آزمون آنان را به آیات سیزده تا پانزده دانیال فصل یازدهم رهنمون می‌شود، که همان نبرد پانیوم است، که همان قیصریه فیلیپی است، و همان پیام فریاد نیمه‌شب است، جایی که دو طبقه از کسانی که آواز او را شنیده‌اند آشکار می‌شوند: یک طبقه «که نیکویی کرده‌اند، برای قیامت حیات؛ و آنان که بدی کرده‌اند، برای قیامت محکومیت.»

در زمان مهرگذاری یکصد و چهل و چهار هزار نفر، سه صدا وجود دارد، و همگی آن‌ها صدای «کسی نیست جز خود عیسی مسیح». نخستین صدای مکاشفه هجده هنگامی طنین افکند که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با لمسی از جانب خدا فرو ریخته شدند. صدای دوم، صدای میکائیل رئیس فرشتگان است که مردگان را از قبرهایشان فرامی‌خواند. صدای سوم، دومین صدای فصل هجده مکاشفه است که در ساعت «زلزله عظیم» فصل یازده مکاشفه، سایر گوسفندان او را از بابل

بیرون می‌خواند. تحقق کامل اقرار پطرس در قیصریه فیلیپی هنگامی به انجام می‌رسد که مسیح قوم ایام آخر خود را به «آن بخش از نبوت دانیال که مربوط به ایام آخر است» رهبری می‌کند.

پانیوم آیات سیزدهم تا پانزدهم دانیال یازدهم، آن «بخش» از نبوت دانیال است که مَهر شده بود و پیام فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌سازد. پانیوم همان گردهم‌آیی اردوگاهی اکستر در اوت ۱۸۴۴ است؛ تاریخی است که در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به انجام می‌رسد، و آن پیام نبوی است که مهر خدا را بر پیشانی‌های آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر نقش می‌بندد. آیاتی که اکنون در حال مطالعه آن‌ها هستیم، زمینی بسیار مقدس‌اند.

«آن حقیقتی که پطرس بدان اقرار کرده بود، بنیاد ایمان ایماندار است. این همان چیزی است که خود مسیح آن را حیات جاودانی اعلام کرده است. اما برخورداری از این معرفت، هیچ مبنایی برای خودستایی نبود. این حقیقت نه به سبب حکمتی از آن خود او و نه به سبب نیکویی او بر پطرس مکشوف شده بود. انسان هرگز نمی‌تواند از خود، به معرفت امور الهی دست یابد. «به بلندی آسمان است؛ چه می‌توانی کرد؟ از هاویه عمیق‌تر است؛ چه می‌توانی دانست؟» ایوب 11:8. تنها روح فرزندخواندگی می‌تواند امور عمیق خدا را بر ما آشکار سازد؛ اموری که «نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب انسان خطور کرده است.» «اما خدا آنها را به وسیله روح خود بر ما مکشوف ساخته است، زیرا روح همه‌چیز، حتی امور عمیق خدا را نیز می‌کاود.» 1 Corinthians. 2:9, 10 «راز خداوند با ترسندگان اوست؛» و این واقعیت که پطرس جلال مسیح را تشخیص داد، گواهی بود بر اینکه او «از خدا تعلیم یافته» بود. Psalm 25:14; John 6:45. آه، به راستی، «خوشا به حال تو، ای شمعون پسر یونا، زیرا جسم و خون این را بر تو مکشوف نساخته است.»

عیسی ادامه داد: «و من نیز تو را می‌گویم که تو پطرس هستی، و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد؛ و دروازه‌های جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت.» واژه «پطرس» به معنای سنگی است—سنگی غلتان. پطرس آن صخره‌ای نبود که کلیسا بر آن بنیاد نهاده شد. آنگاه که او با نفرین و سوگند، خداوند خویش را انکار کرد، دروازه‌های جهنم بر او چیره شدند. کلیسا بر کسی بنا شد که دروازه‌های جهنم نتوانستند بر او استیلا یابند.» آرزوی اعصار، ۴۱۳

پیامی که مسیح در قیصریه فیلیپی به شاگردان خود ارائه می‌کرد و می‌کند، همان پیام فریاد نیمه‌شب است، و این پیام در چارچوب جنگی روحانی میان خدای یونانی پان، که معبد او «دروازه‌های جهنم» نامیده می‌شد، و دو شاخ مرتد حیوان زمین قرار داده شده است. مکابیان قوم مرتد خدا بودند که مدعی بودند مدافعان کلیسای خدا هستند، زیرا با دین یونانیان می‌جنگیدند. آنان خود را هم رهبران مذهبی و هم رهبران سیاسی معرفی می‌کردند. ایشان نمایانگر پروتستانتیسم مرتد آن کلیساهای سقوط کرده‌اند که اکنون همراه با حکومت ایالات متحده در حال ساختن تصویری از وحش هستند و بر ضد دین جهانی‌گرایان، یعنی وکنیسم و مادر زمین، می‌جنگند. شاخ‌های مرتد در کشمکش خود با عناصر مذهبی و سیاسی جهانی‌گرایی غالب می‌شوند، و در همان حال، شاخ حقیقی پروتستان با برچیده شدن آخرین بقایای باکره‌های نادان، پیش از آن که در «زلزله عظیم» قانون یکشنبه به زودی آینده به‌عنوان علمی برافراشته شود، تطهیر می‌گردد.

آن بخش از نبوت کتاب دانیال که به ایام آخر مربوط است، که همان مکاشفه عیسی مسیح نیز هست، و پیام فریاد نیمه‌شب می‌باشد، به وسیله شیر سبط یهودا در قیصریه فیلیپی، که همان پانیوم است، گشوده می‌شود. این نبوت در میانه جنگ میان وحش ملحد برآمده از هاویه و شاخ جمهوری‌خواهی که در سال ۲۰۱۵ به برانگیختن آن وحش آغاز کرد، و نیز بر ضد شاخ اصیل پروتستانتیسم که اکنون همچون لشکری عظیم در حال قیام دوباره است، گشوده می‌شود.

حقیقتی که پطرس بدان اقرار کرد، نشانهٔ راه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نمایندگی می‌کند، و نیز این حقیقت را که مسیح، پسر خدای زنده است. حقیقت آنچه از این امر مراد می‌شود که عیسی پسر خداست، به همان یقین حقیقتی آزمون‌کننده است که در ایام پطرس، مسئله این که آیا عیسی مسیحا بود یا نه، حقیقتی آزمون‌کننده بود. اعلام این که عیسی پسر خداست، نماینده همهٔ آن چیزی است که دربارهٔ این که پسر کیست مکشوف شده بود. این امر نه تنها نمایانگر آن است که او پسر خدا بود، بلکه نیز این که او پسر انسان بود. این، حقیقت تجسد الوهیت در انسانیت است؛ همان کاری که در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار به انجام می‌رسد. حقیقت «تجسد»، همان حقیقتی است در پایان که در آغاز، به وسیله حقیقت «سبت» نمادین شده بود.

22 اکتبر 1844 نشانگر فرارسیدن فرشتهٔ سوم بود. هنگامی که فرشته‌ای می‌رسد، حقیقتی ویژه که متناسب با آن دوره‌ای است که آن حقیقت در آن گشوده می‌شود، به وسیله شیر سبط یهودا مکشوف می‌گردد، و آن حقیقت سپس نسلی را که آن حقیقت در میان ایشان گشوده شده است می‌آزماید. در 22 اکتبر 1844، حقایقی که با کار مسیح مرتبط بود—همان که ناگهان به هیکلی که آن را در طی چهل و شش سال، از 1798 تا 1844، برپا کرده بود آمد—آشکار گردید. کار داوری مسیح، شریعت خدا، نقش او به عنوان کاهن اعظم، مسئله نشان وحش و مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن، همگی گشوده شدند. به خواهر وایت نشان داده شد که از میان آن حقایق، حقیقتی واحد وجود داشت که آلفا و امگا آن را در نوری ویژه معین ساخته بود.

«من در شگفت شدم آنگاه که فرمان چهارم را درست در مرکز ده حکم دیدم، در حالی که هاله‌ای ملایم از نور آن را دربر گرفته بود. فرشته گفت: "این تنها یکی از آن ده فرمان است که خدای زنده را، که آسمان‌ها و زمین و هر آنچه را که در آنهاست آفریده است، معرفی می‌کند. هنگامی که بنیادهای زمین نهاده شد، در همان هنگام بنیاد سبت نیز نهاده شد."» شهادت‌ها، جلد ۱، ص. ۷۵.

زمان مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار فرا رسیده بود، اما می‌بایست به سبب شورش سال ۱۸۶۳ به تأخیر افتد. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرایند مهر کردن آغاز شد، هنگامی که مسیح، که به صورت فرشته نیرومند باب هجدهم مکاشفه نمود یافته است، با کتابی پنهان در دست خود فرود آمد؛ کتابی که قوم ایام آخر خدا می‌بایست آن را بخورند. آلفا و امگا همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد؛ از این رو، در ایام آخر نیز حقیقتی دیگر در نوری ویژه قرار داده شد، و آن حقیقت به طور مستقیم با حقیقت سبت پیوند داشت؛ همان حقیقتی که در نخستین بار که مسیح کوشید یکصد و چهل و چهار هزار را مهر کند، برجسته شده بود.

«زمان آن فرا رسیده است که دانیال در نصیب خود بایستد. زمان آن فرا رسیده است که نوری که به او عطا شد، بیش از هر زمان دیگر به جهان برسد. اگر آنان که خداوند برایشان چنین بسیار کرده است، در نور گام بردارند، معرفت ایشان به مسیح و به نبوت‌های مربوط به او، هرچه به پایان تاریخ این زمین نزدیک‌تر شوند، بسیار افزون خواهد شد.»

«کسانی که با خدا مشارکت دارند، در نور آفتاب عدالت گام برمی‌دارند. آنان با فاسد ساختن طریق خویش در حضور خدا، رهاننده خود را بی‌حرمت نمی‌سازند. نور آسمانی بر ایشان می‌تابد. آنان در نظر خدا دارای ارزشی بی‌نهایت‌اند، زیرا با مسیح یکی هستند. نزد ایشان کلام خدا دارای جمال و دل‌انگیزی بی‌مانند است. آنان اهمیت آن را درمی‌یابند. حقیقت بر ایشان مکشوف می‌شود. آموزه تجسد در پرتو تابشی ملایم جلوه‌گر می‌گردد. آنان می‌بینند که کتاب مقدس کلیدی است که همه اسرار را می‌گشاید و همه دشواری‌ها را حل می‌کند. کسانی که نخواستند نور را بپذیرند و در نور گام بردارند، نخواهند توانست راز دینداری را درک کنند؛ اما آنان که در برداشتن صلیب و پیروی از عیسی درنگ نکرده‌اند، نور را در نور خدا خواهند دید.» Manuscript Releases, number 21, 406, 407

آموزه تجسد این حقیقت است که الوهیت متحد با انسانیت گناه نمی‌کند، و نشانه کسانی که در ایام آخر به آن تجربه دست یافته‌اند، سبت است.

افزون بر این، سبت‌های خویش را نیز به ایشان دادم تا نشانی میان من و آنان باشد، تا بدانند که من یهوه هستم که ایشان را تقدیس می‌کنم. حزقیال 20:12.

یکصد و چهل و چهار هزار تن تا ابد مَهر می‌شوند، و فرایند این مهرگذاری، دوره‌ای کوتاه از زمان را در پایان این فرایند مشخص می‌سازد؛ درست پیش از قانون یک‌شنبه، هنگامی که مهر نقش می‌بندد. در آن دوره کوتاه، الوهیت با انسانیت، به طور دائمی، متحد می‌گردد.

«ای برادران، در این کار عظیم آمادگی چه می‌کنید؟ آنان که با جهان متحد می‌شوند، قالب دنیوی را می‌پذیرند و برای نشان وحش مهیا می‌گردند. اما آنان که به خویشتن اعتماد ندارند، که خویش را در حضور خدا فروتن می‌سازند و جان‌های خود را به واسطه اطاعت از حقیقت پاک می‌کنند، اینان قالب آسمانی را دریافت می‌دارند و برای مهر خدا بر پیشانی‌هایشان آماده می‌شوند. هنگامی که فرمان صادر گردد و آن نقش نهاده شود، سیرت ایشان تا ابد پاک و بی‌لکه باقی خواهد ماند.»

«اکنون زمان آمادگی است. مَهر خدا هرگز بر پیشانی مرد یا زن ناپاک نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مرد یا زنی که جاه‌طلب و دنیاپرست است نهاده نخواهد شد. هرگز بر پیشانی مردان یا زنانی که زبان دروغگو یا دل‌فریبکار دارند نهاده نخواهد شد. همه آنان که مهر را دریافت می‌کنند، باید در حضور خدا بی‌لکه باشند—نامزدهای آسمان. ای برادران و خواهرانم، به پیش روید. در این هنگام، تنها می‌توانم درباره این نکات به اختصار بنویسم و صرفاً توجه شما را به ضرورت آمادگی جلب کنم. خودتان کتب مقدس را تفتیش کنید تا هولناک بودن وقار این ساعت حاضر را دریابید.»
Testimonies, جلد 5, 216.

گزشته عبارت سے یہ تاثر مل سکتا ہے کہ مہر اتوار کے قانون کے وقت ثبت کی جاتی ہے، لیکن معاملہ ایسا نہیں ہے۔ سسٹر وانٹ واضح کرتی ہیں کہ اتوار کا قانون ایک عظیم بحران ہے، اور وہ یہ بھی نہایت صراحت کے ساتھ سکھاتی ہیں کہ بحران میں کردار ظاہر ہوتا ہے، لیکن بحران میں کبھی نشوونما نہیں پاتا۔ مہر اتوار کے قانون کے وقت اس معنی میں ثبت کی جاتی ہے کہ اسی وقت وہ نمایاں ہو جاتی ہے، کیونکہ جو لوگ اُس وقت مہر رکھتے ہیں، وہ ایک جھنڈے کے طور پر بلند کیے جاتے ہیں۔ مہر ایک مختصر مدت کے اندر، آزمائش کی مہلت کے بند ہونے سے ذرا پہلے ثبت کی جاتی ہے، اور سبت ماننے والوں کے لیے آزمائش کی مہلت اتوار کے قانون پر بند ہو جاتی ہے۔ مہر کرنے کا عمل 11 ستمبر، 2001 کو شروع ہوا، اور اُس وقت کسی نے خدا کی مہر حاصل نہ کی، کیونکہ جیسا کہ 22 اکتوبر، 1844 کے بعد کے عرصہ وقت میں واضح کیا گیا، پہلے ایک آزمائشی عمل ہونا تھا۔

در هر جنبش اصلاحی، هنگامی که نماد الهی فرود می‌آید تا پیامی را که در زمان آخر گشوده شد، نیرو بخشد، فرایندی از آزمون آغاز می‌شود. هنگامی که میکائیل فرود آمد تا کورش را توان بخشد که با فرمان نخست به پیش رود، یهودیان آنگاه آزموده شدند که آیا خانه‌ای را که در هفتاد سال گذشته در آن زیسته بودند ترک خواهند کرد و به شهری ویران بازخواهند گشت و آن را بازسازی خواهند نمود یا نه. هنگامی که روح القدس در تعمید مسیح فرود آمد، یهودیان در موضوع مسیحا آزموده شدند. هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه ده در 11 اوت 1840 فرود آمد، آن نسل در این مورد آزموده شد که آیا کتابچه کوچک را خواهند خورد و هر آنچه را که آن کتابچه کوچک نمایندگی می‌کرد.

فرایند آزمونی در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد که دو طبقه از پرستندگان را پدید آورد، و آن طبقه که برّه را تا به مکان اقدس پیروی کردند، نامزد آن بودند که در شمار یکصد و چهل و چهار هزار باشند. آزمون نهایی برای آن نسل، که در این فرایند آزمون کامیاب نشد، با رسیدن نور افزون‌تر بر «هفت زمان»

لاویان بیست و شش آغاز گردید. از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳، پیام لائودکیہ، واپسین برہہ ای از زمان را در آن دورہ ای مشخص ساخت کہ با آمدن فرشتہ سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شدہ بود. آن دورہ زمانی بہ وسیلہ آیات سیزدہ تا پانزدہ باب یازدہم دانیال بہ تصویر کشیدہ شدہ است.

ما این مطالعہ را در مقالہ بعدی ادامہ خواہیم داد.

«در ابتدا کلمہ بود، و کلمہ نزد خدا بود، و کلمہ خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. ہمہ چیز بہ واسطہ او آفریدہ شد؛ و بدون او چیزی از آنچہ آفریدہ شد، آفریدہ نگردید. در او حیات بود؛ و حیات نور انسان ہا بود. و نور در تاریکی می تابد؛ و تاریکی آن را در نیافت.» «و کلمہ جسم گردید و در میان ما ساکن شد، (و جلال او را دیدیم، جلالی شایستہ یگانہ زادہ پدر)، پر از فیض و راستی» (14) (5-1:1)

«این فصل، شخصیت و اہمیت کار مسیح را ترسیم می کند. یوحنا، چون کسی کہ موضوع خود را می شناسد، تمامی قدرت را بہ مسیح نسبت می دہد و از عظمت و جلال او سخن می گوید. او همچون نوری از خورشید، پرتوہای الہی حقیقت گران بہا را می درخشاند. او مسیح را بہ عنوان تنها میانجی میان خدا و بشریت معرفی می کند.»

«عقیدہ تجسد مسیح در جسم بشری رازی است، همان رازی کہ از دہرہا و از نسل ہا پنهان داشتہ شدہ بود» (کولسیان 1:26). این، راز عظیم و عمیق دینداری است. «کلمہ جسم گردید و در میان ما ساکن شد» (یوحنا 1:14). مسیح طبیعت انسانی را بر خود گرفت، طبیعتی کہ از طبیعت آسمانی او فروتر بود. هیچ چیز بہ اندازہ این، فروتنی شگفت انگیز خدا را آشکار نمی سازد. او «جهان را آن قدر محبت نمود کہ پسر یگانہ خود را داد» (یوحنا 3:16). یوحنا این موضوع شگفت انگیز را با چنان سادگی بیان می کند کہ ہمہ بتوانند مفہیم عرضه شدہ را دریابند و منور گردند.»

«مسیح تظاهر نکرد کہ طبیعت انسانی را بر خود گرفت؛ او حقیقتاً آن را برگرفت. او بہ راستی دارای طبیعت انسانی بود. «چون فرزندان در گوشت و خون شریک اند، او نیز ہمچنین در همان ہا شریک گردید» (2:14) (2:14) او پسر مریم بود؛ از حیث نسب انسانی، از ذریت داوود بود. او انسان خواندہ شدہ است، یعنی انسان، مسیح عیسی. پولس می نویسد: «این مرد مستحق جلالی افزون تر از موسی شمردہ شد، از آن رو کہ بناکنندہ خانہ حرمت بیشتری از خود خانہ دارد» (3:3) (3:3)

«لیکن جب خدا کا کلام مسیح کی انسانیت کا ذکر کرتا ہے جب وہ اس زمین پر تھے، تو وہ اُن کی ازلی پیش ہستی کے بارے میں بھی نہایت واضح طور پر کلام کرتا ہے۔ کلام ایک الہی ہستی کے طور پر موجود تھا، یعنی خدا کے ابدی بیٹے کے طور پر، اپنے باپ کے ساتھ اتحاد اور یگانگت میں۔ ازل سے وہ عہد کا درمیانی تھا، وہی جس میں زمین کی سب قومیں، خواہ یہودی ہوں یا غیر قوموں میں سے، اگر اُسے قبول کریں، برکت پانے والی تھیں۔ 'کلام خدا کے ساتھ تھا، اور کلام خدا تھا' (1:1) (1:1) انسانوں یا فرشتوں کی تخلیق سے پہلے، کلام خدا کے ساتھ تھا، اور خدا تھا.»

دنیا بہ واسطہ او آفریدہ شد، «و بہ غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت» (یوحنا ۱:۳). اگر مسیح ہمہ چیز را آفریدہ است، پس پیش از ہمہ چیز وجود داشتہ است. سخنانی کہ در این بارہ گفتہ شدہ، چنان قاطع است کہ هیچ کس لازم نیست در تردید باقی بماند. مسیح ذاتاً خدا بود، و در عالی ترین معنا. او از ازل با خدا بود، خدای بر ہمہ، متبارک تا ابدالابد.

خداوند عیسی مسیح، پسر الہی خدا، از ازل وجود داشت؛ شخصی متمایز، و در عین حال یکی با پدر بود. او جلال برتر آسمان بود. او فرماندہ موجودات عاقل آسمانی بود، و کرنش پرستش آمیز فرشتگان بہ حق از سوی او پذیرفتہ می شد. این غصب حق خدا نبود. او اعلام می دارد: «خداوند

مرا در ابتدای طریق خویش داشت، پیش از اعمال خویش از قدیم. من از ازل برقرار شدم، از ابتدا، پیش از آنکه زمین باشد. هنگامی که ژرفاها نبود، من پدید آورده شدم؛ هنگامی که چشمه‌های لبریز از آب نبود. پیش از آنکه کوه‌ها برپا شوند، پیش از تپه‌ها من پدید آورده شدم؛ هنگامی که هنوز زمین و صحراها را نساخته بود، و نه نخستین ذرات غبار جهان را. چون آسمان‌ها را مهیا ساخت، من آنجا بودم؛ چون دایره‌ای بر سطح لجه قرار داد» (امثال 8:22-27).

«در این حقیقت که مسیح پیش از بنیان‌گذاری جهان با پدر یکی بود، نور و جلال نهفته است. این همان نوری است که در مکانی تاریک می‌درخشد و آن را با جلال الهی و ازلی درخشان می‌سازد. این حقیقت، که در ذات خود بی‌نهایت رازآمیز است، حقایق رازآمیز دیگر را که در غیر این صورت تبیین‌ناپذیرند، توضیح می‌دهد، حال آنکه خود در نوری دست‌نیافتنی و نامفهوم محفوظ است.»
Selected Messages, book 1, 246-248